

همشهری

صفحه آخر

در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست
در صراطِ مستقیم ای دل کسی گمراه نیست

حافظ

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

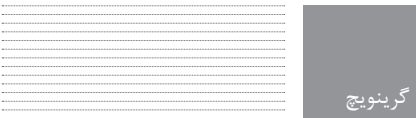
دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۶۹۵/۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۳۰۰۰، ۲۳۰۴۶۰۶۷، ۲۳۰۴۶۰۶۷

چاپ: همشهری
توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزین
تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰
پیش‌برش آگهی: تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰

■ حضرت امیر المؤمنین علی:
عیب جو، مذموم و مورد طعن و عیب مردم است.

■ اذان ظهر: ۱۳:۱۱ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۰۹
■ اذان مغرب: ۲۰:۲۹ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۳۳
■ اذان صبح: ۴:۳۶ ■ طلوع آفتاب: ۶:۱۳

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: عبدال... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار



رقابت خرید واکسن آبله‌میمون



لندن: مقامات بهداشت عمومی در بریتانیا در باره رقابت کشورهای ثروتمند برای خرید مقادیر زیادی واکسن آبله‌میمون و کاهش اشتراک دوزهای این واکسن با کشورهای آفریقایی و خاورمیانه هشدار دادند. کارشناسان و منتقدان این رویکرد از تکرار مشکلات فاجعه‌بار ناشی از نابرابری و بی‌عدالتی در توزیع واکسن طی دوران اوج همه‌گیری کرونا بیم دارند. دکتر بوگوما کابیسین تیتانجی، استادیار علوم پزشکی در دانشگاه اموری در این خصوص می‌گوید: «شباهاتی که در طول همه‌گیری کوید-۱۹ مشاهده شد در حال تکرار است. درحالی که کشورهای ثروتمند میلیون‌ها دوز واکسن برای جلوگیری از ورود و گسترش ویروس آبله‌میمون در داخل مرزهای خود سفارش داده‌اند، هیچ یک برنام‌های برای اشتراک دوز یا آفریقا در دست اجرا ندارند. از ماه مه گذشته تا به امروز بیش از ۲۱ هزار مورد ابتلا به آبله‌میمون در نزدیک به ۸۰ کشور جهان گزارش شده که ۷۵ مورد مرگ مشکوک مرتبط با این بیماری در آفریقا، به‌طور عمده در نیجریه و کنگو نیز بخش نگران‌کننده آن بوده است.

کشتن پناهجویان در ایتالیا



ماجر تا: طی هفته جاری پس از انتشار ویدئویی از کشتن افراد بی‌خانمان توسط ۲ دوست ویدئویی هم از ایتالیا منتشر شد که مردی اهل این کشور یک پناهجوی نیجریه‌ای را در خیابان می‌کشد. این دو رویداد سبب خشم عمومی درباره شیوه برخورد با پناهجویان و مهاجران و افراد بی‌خانمان در فضای مجازی شده است. به گزارش بی‌بی‌سی، در ویدئویی که گفته شده توسط یک رهگذر تهیه شده - به‌نظر می‌رسد در آنچه پیش چشمانش روی می‌دهد هیچ دخلتی نمی‌کند - یک دستفروش نیجریه‌ای دیده می‌شود که توسط یک مرد سفیدپوست زمین‌زده شده است. پلیس می‌گوید یک ایتالیایی ۳۲ساله را در ارتباط با قتل و سرقت بازداشت کرده است. با این حال، انتشار این ویدئو در شبکه‌های اجتماعی واکنش‌های گسترده و اغلب تندی در ایتالیا به همراه داشته است.

ممنوعیت سیگار در نیوزیلند



ولینگتون: پس از اینکه کارشناسان اعلام کردند در نیوزیلند سالانه دست کم ۵هزار نفر در اثر مصرف سیگار جان خود را از دست می‌دهند قانون در این کشور تغییر کرد و پس از این نوجوانان اجازه سیگار کشیدن ندارند. به گزارش ایندپندنت، قانون جدید هنگامی به مجلس رفت که دولت جاسیندا آردن دسامبر گذشته اعلام کرد برای ممنوعیت فروش تنباکو به نسل بعدی برنامه‌ریزی می‌کند تا کشور را در سال ۲۰۲۵ از دخانیات پاک کند. همچنین براساس این قانون جدید، دولت تعداد خرده‌فروشان مجاز به فروش تنباکو را کاهش می‌دهد. همچنین میزان نیکوتین را در تمام محصولات پایین می‌آورد. این امر همچنین خریدن سیگار را برای جوانان سخت‌تر می‌کند. کلونه سواربریک، نماینده حزب سبز، با اشاره به زبان‌های اجتماعی برای مردمی که قادر نیستند به میزان معمول نیکوتین را در تمام محصولات داشته باشند، گفت ضروری است که سیاستی «مستند» و «کاهش‌دهنده ضرر» وجود داشته باشد. این ممنوعیت در مورد سیگارهای الکترونیک هم اعمال می‌شود. در چند سال گذشته مصرف سیگارهای الکترونیک میان نوجوان‌های این کشور حساسی رواج یافته بود.

سیل و روزنامه‌نگاری شاعرانه



سید جواد رسولی
گزارشگر رسانه

مردم و همراهی با آنان برای حل مسائل می‌دانستند و در مقابل عده‌ای هم آن را مجالی برای خودنمایی و فرصتی برای کسب اعتبار، در ویدئو مشهوری که در آن آکوک در پناه چند سنگ و در وسط جریان خروشان سیلاب گرفتار شده بودند، نظیر چنین تفسیرهایی فراوان دیده می‌شد. گویی در سیل قرار است وضعیتی فهمیده شود که در آن مردم معصوم گرفتار انواع مشکلات به‌خصوص گرانی و مسائل اقتصادی هستند.

اینکه ما برای بیان واقعیت و ارتباط دادن آن با دیگر واقعیت‌های جامعه به بیان استعاری رو بیاوریم و تقریباً هر چیزی را به تریبی با بحث‌های سیاسی و اقتصادی گره بزنیم البته که اصلاً چیز تازه‌ای نیست. نگاه شاعرانه و بیان استعاری با فرهنگ و سیل به شکل‌های مختلف نشان‌های از چیزهایی فراتر یا به عبارتی «عمیق‌تر» در نظر گرفته شده است که معنایی متفاوت دارد و این معنا را باید با تامل دریافت. مثلاً برای عده‌ای این پدیده یکی دیگر از مظاهر بلا و تقاضی بود که از دیاد گناه در جامعه باعث آن شده بود. بعضی‌ها با نشر تصاویری که از حضور مسئولان در مناطق سیل زده منتشر شده بود سیل را مجالی برای دیدن حضور مسئولان در کنار

برسد. و دوم بررسی دقیق آماری و علمی از پدیده رخ داده برای آنکه معلوم شود با چه چیزی مواجهیم، چطور می‌توانیم در برابر آن آماده باشیم، چطور برای آینده از این رخداد تجربه کسب کنیم و البته که چطور کمک‌های مربوط به سازمان‌های مسئول در چنین حوادثی به آسیب دیدگان می‌رسد و وضعیت این افراد در روزهای حادثه چگونه ساماندهی می‌شود. این رویکرد نسبت به حادثه که مبتنی بر اطلاع‌رسانی صحیح و حرفه‌ای و در نتیجه حضور مؤثر و متناسب خبرنگار و عوامل رسانه‌ای در صحنه است، نخستین اولویت سازمان‌های خبری، خبرگزاری‌ها و رسانه‌هاست. تفسیر و تابل‌گذاری استعاری و نمادشناسانه مربوط است به بعدتر، وقتی که اضطرار برطرف شد و خطری که جان و مال مردم را تهدید می‌کرد از سر گذشت. برای بیان شاعرانه همیشه وقت هست.

این نخستین بار نیست که اغلب اهالی رسانه به جای پرداختن به آنچه در متن می‌گذرد که یک فاجعه طبیعی است و بر تعداد قابل توجهی از هموطنان ماث‌ر تلخی گذاشته است، به حواشی غریبی می‌پردازند که در آن شکایت از زمانه و اختلافات سیاسی مجوریت دارد. از براندازان و بدخواهانی که کارشان اتهام زدن است توقعی نیست، اما اهالی رسانه کی قرار است پیش از شاعرانگی و توصیف استعاری فاجعه به وظیفه اصلی خود که روایت دقیق آن چیزی است که در حال رخ دادن است و مبتنی بر آمار و عدد و رقم و تحلیل تخصصی است بپردازند؟



کمبود سوخت در سر بلاتکا: عکس: گاردین

گنج‌واژه

باران از کجا آمد

هستی بودفروش

باران را اگر از طبیعت دریغ کنیم حاصلش و اشعارمان دریغ کنیم حاصلش خشک شدن طبع شاعری‌سان است. اینکه این باران از کجا می‌آید جواب بخاراتی است بالای سرمان که بر اثر سرما فرشته شده و تبدیل به قطره‌های باران می‌شود. اما آن باران ادبی از کجا آمده جویش داستانی به درازای هزار سال دارد. واژه باران در آسمان زبان فارسی جزو ستارگان کهنی است که در مرور زمان تأثیر زیادی بر آن نگذاشته و به نسبت با همان نور اولیه خود می‌تابد. این واژه در زبان پهلوی واران و در اوستایی، وار-به معنی فروزریزنده بوده است. هنوز هم در زبان کردی به باران، واران گفته می‌شود. اما چرا هنوز در زبان کردی باران، واران است؟ این همان داستان کهن زبان پهلوی با فراز و نشیب‌هایش است. زبان پهلوی زبانی است که اشکانیان و ساسانیان - حکومت‌های پیش از ورود اسلام به ایران - بسا آن گفت‌وگو می‌کردند. یعنی ایرانیان بیش از ۲ هزار سال قبل به این زبان سخن می‌گفتند که عده‌ای به آن فارسی میانه هم می‌گویند. فارسی میانه یا پهلوی، زبانی برگرفته از فارسی باستان بوده است. بسیاری از مواد و مصالح آن را گرفته و تنها زواید و آنچه از فارسی باستان ضروری به‌نظر نمی‌رسید، حذف شده بود. ریشه بسیاری از لهجه‌های امروزی ایران نیز برگرفته از همین فارسی میانه است. زبان‌های کردی، لری، لکی، تاتی و آذری ریشه در فارسی میانه دارند که بعدها از فارسی دری و عربی هم تأثیر گرفته‌اند.

به داستان باران خودمان بازگردیم. گفتمیم که باران در زبان پهلوی واران بوده است به‌معنای فروزریزنده. اما چرا «و» به «پ» تبدیل شد.

کلمات زیادی در زبان پهلوی وجود داشتند که حرف «و» آنها به مرور تبدیل به «پ» شده است. برای مثال «وسترگ» پهلوی تبدیل به «بستر» شده است؛ علش بیان راحت‌تر و سلیس‌تر «پ» نسبت به «و» است. اگر به لغتنامه دهخدا هم سری بزیند در قسمت حرف «و» آمده است گاهی بدل به «پ» می‌شود مثل ورافتادن که شده برافتادن یا وراشتن که شده برداشتن. امیدواریم در دوره ما این «پ» باران رحمت به «و» ویرانه بدل نشود. به قول حافظ:

در آن مقام که سیل حوادث از چپ و راست
چنان رسد که امان از میان کسران گیرد
چه غم بود به همه حال کسو ثابت را
که موج‌های چنان قلمز گران گیرد



روایتی کوچک در باب فضیلتی بزرگ در ستایش انصاف

سیداحمد بطحایی
داستان‌نویس



وقتی ۲دهسته هم ریشه و هم داستان در مقابل هم قرار می‌گیرند چه باید کرد؟ کلیات هر دو روی طاقچه و کف سجاده یکی است. هر دو از یک نام و نشان حرف می‌زنند: «اسلام». قرآن و سنت رسول خدا(ص) «انگاری این وسط باید یک چیزی باشد که مشخص و ممیز باشد در انتخاب روایت‌ها، روایت‌هایی شبیه به هم، یکی از قوانین نظام می‌گوید، تبعیت از اصول امنیتی جامعه و بیزار از آرا می‌شور، در مقابل مرد میاسال ۷۵ساله‌ای ند می‌دهد که من نه قصد شورش دارم و نه ناامنی ولی دست در دست شما هم نمی‌توانم باشم، اصلاً بگذارید به امان خود باشم و دست از من بدارید. از اسامی رد شوید و دوربین را کمی واید و پهن ببینید، امنیت یا اصلاح؟ آرامش یا شورش؟ بقابر فاسد یا نقد و ویرایش به قصد صالح؟ اینجا تکلیف چیست؟

پیش از شروع رویواری، مرد ۷۵ساله در ابتدای خطابه کوتاهش یک چراغ روشن می‌کند. «فَإِنَّ أَطْفِقُوا الْإِصْطِفَ كُنْتُمْ بِذَلِكَ أَسْعَدُ». اگر با من حسین انصاف به خرج دهید خوشبخت می‌شوید. می‌بینید چه می‌گوید؟ در دش چیست؟ می‌گوید اسلام و دین و پیغمبر و حال و حومه‌اش را کاری ندارم، مرابه نماز و روزه و بند و تقدیم و تعقیب‌تان هم دخلی نیست، نخستین درخواست حسین (ع) و شاید مهم‌ترین لحظاتی پیش از شروع کارزار این است که انصاف داشته باشید. می‌دانند از دین و رسم مسلمانی نمی‌تواند صحبت کند چون اینها پیشانی را چنان به مهر سایداند که باشته یا به زمین. شم کوب و شم‌نشان، آنها را به مسئله‌ای پیشینی‌تر ارجاع می‌دهد: انصاف.

عزاخانه

رشک روضه رضوان

حمیدرضا محمدی
روزنامه‌نگار



نذوراتش فراوان است. خیلی‌ها برایش قربانی می‌کنند. برای همین هم هست که آنچرا پس از مناسا دومین قربانگاه جهان اسلام دانسته‌اند: از ۷۲سال پیش که برای نخستین‌بار ۴ رأس گوسفند ذبح شد تا امروز که ۱۲ هزار رأس رسیده است. آنجا برای زنجانی‌ها جایگاه و پایگاه دیگری دارد. ارزشش برای اهالی این خطه بیش از این حرف‌هاست. اصلاً نوعی مرکزیت دارد برایشان. درماه عزای سیدالشهدا(ع) از هر زنجانی بررسی نشأت می‌دهد کجاست. گویی همه راه‌ها به «حسینیه اعظم» می‌رسد و این راه‌ها در عصر هشتم‌محرمر هرسال، حال‌وهوای دیگری دارند. همه سراپا عشق به علمدار کربلا(ع) و در یوم‌العزای رنجی می‌شوند.



اما این حسینیه که آیین سوگواری‌اش در میراث معنوی ایران نیز به ثبت رسیده است، پیشینه‌ای دارد که بر پایه اسناد، به روزگار نادرشاه افشار می‌رسد اما کهن‌ترین مکتوبی که از آن نام برده شده، تاریخ دارالعرفان خمسة است. نوشته محمدهاشم آصف مشهور به رستم‌الحکما که در روزگار کریم‌خان‌زند و آغامحمدخان قاجار می‌زیست و رستم‌التواریخ از تحریرات اوست. این اثر که قدیمی‌ترین متن تاریخی در باره زنجان است و نوشته‌شده به سال ۱۲۴۸قمری، در چندجابه این مکان مقدس اشاره و از واژه «حسینیه» استفاده کرده است. از جمله آنکه وقتی ذوالفقارخان افشار، حاکم زنجان در مقابل وکیل‌الرعا با گردن‌فرازی کرد و بعد به اسارت درآمد، پس از آزادی در آنجا مقیم شد و در این کتاب چنین آمده است: «عالیجاه پیغمبر پگاه «ذوالفقارخان» جلالت‌نشان افشار رسیده و سپاه ظفر همراه مذکور، از دروازه شرق وارد بلده شده و در «حسینیه» اقامت فرمودند.» یا در جایی دیگر، چنان که از این حسینیه‌نام برده، نشان از آن دارد که حتی یکی از محله‌های زنجان به این نام شهره بوده است: «بدین‌سان جهت اهالی محله پایین و دیوالگان و «حسینیه» جوی‌هایی باریک از آب رودخانه [زنجان‌چای] کشاندند و در خانه‌های خویش چاه‌هایی حفر کردند.» و این مربوط است به دوران حکمرانی عبدالله‌خان اواصلو افشار در دوران فتحعلی‌شاه. اما جز اینها، در حسینیه چند سند دیگر نیز در میان است که دلالت می‌کنند بر قدمت حسینیه رضوان. این حسینیه تا آن‌زمان که ۲۰۰ مترمربع بود تا امروز که به ۱۳ هزار متر مربع رسیده، راهی دراز پیچوده و این همه در مسیر دلدادگی اهالی زنجان بوده است به حضرت سیدالشهدا(ع).

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌پیشاند، ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات وغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۰۲۳۶۳۳۶۳ بگیری د تباری رساندنش به ما، راه‌آهنی‌ای تان کنیم.